

مسیحیت در جنگال خرافات

کتابهای

فروغی



که یهود و مسیحیان آنرا محترم می شمردند

کامل خیر خواه

بررسیهای تاریخی و دقت در متون کتابهای مذهبی یهود، وجود تحریف و پیدایش تحول و دگرگونی را در چهره آنها به روشنی نشان می دهد.

کامل خیر خواه

تذکر این نکته ضروری است که جملگی این کتابها نزد تمام فرقه های یهود، مقدس و آسمانی و مورد قبول نیستند. مثلا «سامری» حافظ اسفار پنجگانه حضرت موسی (ع)؛ کتاب یوشع و کتاب قضات بنی اسرائیل را معتبر و مقدس می دانند؛ و برای دیگر قسمتهای عهد عتیق، اعتباری قائل نیستند. یهودیان عرب زبسان نیز از عهد عتیق جز نسخه‌ی

عهد عتیق که کتاب مقدس ملت یهود است؛ از قسمتهای متعددی تشکیل یافته است. قسمتی از آن؛ بنام «اسفار خمس» یا «پنتاتیکو» (۱) معروف است، و برخی دیگر به عنوان «نبوات هفده گانه» و بعضی نیز بنام کتاب تاریخ و داوری و خلاصه قسمت چهارم آن به کتابهای سرود و امثال و شعر؛ مشهور می باشند.

(۱) یونانیان مجموعه این پنج کتاب را «پنتاتیکو» می نامند و امروز کتاب «ژوزه lose» نیز بر آنها افزوده شده و شش کتابی یا «هگزاتیکو Hexateuqu» معروف شده است.

به این سرزمین حاصل خیزیورش برده اند و هر چه که به آن ملت تعلق داشته حتی پرستشگاهها و کتابهای مذهبی آنان را نیز ویران و نابود ساخته اند .

«وایل دورانت» فیلسوف و مورخ محقق می نویسد: در حمله های سخت و سهمگینی که توسط **«بخت النصر»** و بعد از او بوسیله **«وانتیوکس»** در سال ۱۶۱ پیش از میلاد مسیح ؛ به یهود و فلسطین شد ؛ تمامی شهرهای این مملکت و بناهای آن از جمله **«بیت المقدس»** با خاک هموار گردید . شگفت اینجا است که همین دانشمند ؛ داستان حمله ی بخت النصر و خرابی های ناشی از هجوم سپاهیان این پادشاه **«بابل»** را که سالها پس از درگذشت حضرت موسی و انبیاء بنی اسرائیل اتفاق افتاده ، از کتاب **«ارمیا»** که به عقیده یهودیان و مسیحیان از کتابهای الهامی و آسمانی ۱۱ است ، نقل کرده است . (۴) و این خود روشنگر این واقعیت است که مدارك مذهبی یهود ، الهامات الهی نیستند که بر انبیاء آنان نازل شده باشند .

باری ؛ جنگها ، آتش سوزیها و آدمکشیهای دهشت انگیزی که در سرزمینهای یهودی به وقوع پیوست ، تنها اماکن عمومی و اموال و ثروت های این ملت لاجوج را بدست ویرانی نسپرد ، بلکه کلیه شئون زندگی و مظاهر و مدارك مذهبی ایشان نیز در زیر چکمه حوادث ویرانگر ،

(۲) دیگر کتاب های آن را قبول نداشته و ندارند ، ولی مسیحیان ؛ مجموعه ی عهدعتیق را مقدس می پندارند و تمام قسمتهای آن ، مورد پذیرش این ملت است ۱

نظر محققان پیرامون تحریف عهدعتیق
عده ی فراوانی از نویسندگان محقق و مفسران کتب مذهبی قوم یهود و مسیحیت مانند **«آدم کلارک»** پس از تحقیق و تتبع بسیار به این حقیقت تلخ اعتراف کردند که : تورات اصلی در همان فتنه ها و جنگهای اولیه فلسطین از بین رفته است .

«هورن» می گوید : نسخه تورات اصلی و **«الواح احکام عشره»** پس از رحلت موسی (ع) در **«صندوق شهادت»** جاداشت و علماء بنی اسرائیل بر حسب وصیت و سفارش موسی (ع) هر چند مدت ؛ یکبار آن را بیرون می آوردند و برای قوم بنی اسرائیل می خواندند ، لیکن آن نسخه با همان صندوق قرنهای قبل از میلاد مسیح ، طعمه جنگها و حوادث سهمگین شد و از بین رفت ؛ و سپس جمعی که از جمله آنان **«عزیر»** یا **«عزرا»** بود به تدریج با کمک گرفتن از محفوظات این و آن و مکتوبات پراکنده به نوشتن تورات جدیدی پرداختند (۳)
تساریخ **«دراماتیک»** فلسطین و ملت آواره یهود حکایت دارد که بارها دولتهای متجاوز و چپاولگر ،

(۲) در حدود ۱۵۰ سال قبل از میلاد مسیح اکثر متون مذهبی یهود ، برای یهودیان مصری به عربی ترجمه شد . در کار این ترجمه ۷۰ تن شرکت داشتند ، بدین مناسبت این ترجمه **«سبعینی»** یا هفتاد نفری معروف شد .

(۳) جاهلیت و اسلام مبحث آئین یهود

(۴) مشرق زمین گهواره تمدن ج ۱ فصل ۱۲

پایمال گردید. آنچنان که ملت یهود ناگزیر، از فلسطین مهاجرت کرد و حتی بسیاری از ایشان به اسارت و بردگی به بابل و دیگر کشورهای مجاور برده شدند. بنابراین؛ نظر محققان و ادیان شناسان؛ پیرامون تحریف تورات و دیگر کتابهای مذهبی یهود و مسیحیت، با واقعیات تاریخی و شواهد خارجی مطابقت دارد.

در قرون وسطی نیز نقدهای تحلیلی فراوانی از تورات و اناجیل از طرف شخصیتهای متعددی بعمل آمد. در این کار گروهی از «احبار» یهود، از جمله «اندریاس کاریست» پیش قدم شده بودند. دانشمند نامرده با تحقیق کافی به نقد کتابهای مقدس! یهود پرداخت و کتابی بنام «اسفار قانونی» در این باره تألیف کرد.

«اسپینوزا» (۵) (۱۶۳۲-۱۶۷۷) فیلسوف بزرگ یهودی و نویسنده کتاب «ابحاث لاهوتی سیاسی» نیز از جمله کسانی است که با نوشتههای خود، مردم را متوجه اختلافات و تناقضات و تحریف عهد عتیق و صحیح نبودن انتساب این کتابها به زمان موسی (ع)، نمود.

این نقد و تحلیلها همچنان با کشفیات و حفاریات تازه تقویت می شد. سرانجام، این نتیجهی قطعی بدست آمد که **تورات کنونی مربوط به یک**

عصر و تألیف شخص واحدی نیست، و اسفار آن طی تاریخها و زمانهای مختلف نوشته شده است. بسیاری از محققان، معتقدند که مایه و مواد اسفار عهد عتیق و تزینات لفظی؛ ادبی، اشتقاقی و حقوقی آن، از قوانین، آداب و رسوم ملل مختلفی از خاور میانهی آن روزگار گرفته شده و به ویژه پس از اطلاعاتی که بنی اسرائیل در اسارت به بابل، از بابلیان و ایرانیها کسب کرده اند؛ به وجود آمده است. محقق فرانسوی «ژان استروک» (۶) (۱۶۸۴-۱۷۶۶) طبق تحقیقی که در تون مدارک مذهبی یهود، بعمل آورد؛ صریحا اعلام داشت که: نویسنده یا نویسندگان تورات (۷) بدون توجه و دقت؛ دونوع متن مختلف و متباین را در این کتابها ردیف کرده اند؛ که در یکی از آنها نام خدا «**الوهیم**» است و در دیگری «**یهوه**» (۸) وی سپس به اختلافات بسیاری که در این دونوع متن، در موارد متعدد دیده شده اشاره می کند که مادر گذشته برخی از آنها را یاد آور شده ایم.

به هر حال؛ این تحقیقات همچنان ادامه یافت تا سرانجام، این حقیقت بخوبی روشن گشت که اغلب سرودها؛ گفتارها؛ نبایشها و «کتاب نبوات» به افرادی که قوم یهود این آثار را به آنها نسبت می دادند؛ متعلق و منسوب نیست.

5 - Spinoza

6 - Iean-Asturc

(۷) تورات کلمه عبری و بمعنی هدایت است و پنتا تیوک یا پنتا توش، واژه یونانی و بمعنی پنج طول مار می باشد

(۸) رجوع کنید به کتاب مشرق زمین گهواره تمدن جلد اول فصل دوازدهم و کتاب جاهلیت و اسلام مبحث

آئین یهود

این کتابها که قبلادیدیم ، مطالب دیگری در تورات وجود دارد که بی گمان روح پاک و مقدس موسی «کلیم الله» از این گونه اساطیر و اباطیل که به عنوان پیروی از آن حضرت ، به خداوند نسبت داده شده بیزار و منزجر است .

مثلاً در تعالیم تورات ، «یهوه» که نام دیگری برای خداوند در تورات است ، یک خدای قادر؛ مهربان و منزه از ماده و عوارض مادی نیست ، بلکه بر حسب تعالیم این کتابها ، خدای بنی اسرائیل (مانند خود این ملت) بسیار لجوج ؛ خشن و زود رنج است! و علم ؛ حکمت و قدرت او فوق العاده ناقص و محدود می باشد چنانکه در این اسفار می خوانیم :

«خدا از قوم یهود خواست که بر بام خانه های خود ، خون گوسفند بپاشند ، تا چون او می خواهد مرد مصر را هلاک کند ، یهودیان را اشتباه و نادانسته هلاک نکند ...» (۹)

یک دلیل روشن بر تحریف تورات

اسفار تورات مشتمل بر یک سلسله مطالب است که هر خواننده عادی با اندک دقت ، به روشنی در می یابد که بیشتر این نوشته ها مدت ها پس از درگذشت موسی (ع) تألیف یافته است مثلاً در «سفر تثنیه» پیرامون شرح وفات و دفن موسی و سوگواری بنی اسرائیل برای آن حضرت ؛ چنین آمده است :

«... پس موسی بنده خداوند در آن جا به زمین «موآب» بر حسب قول خداوند مرد؛ او را در زمین موآب در مقابل «بیت فعور» در «دوره» ا دفن کردند و کسی قبر او را تا امروز ندانسته است ؛ و بنی اسرائیل برای موسی در «عربات» موآب سی روز ماتم گرفتند . پس روزهای ماتم و نوحه گری برای موسی سپری گشت ...»

آیا از این جمله ها جز این استفاده می شود که این کتابها الهام الهی نیست و پس از رحلت موسی به رشته نگارش درآمده است ؟

علاوه بر اینگونه قراین ؛ و اختلافات و تناقضات

(۹) مشرق زمین گهواره تمدن ج ۱ ص ۴۶۱

بقیه پاروقی از صفحه ۲۶

در این راه دشمن با وحشیگری پدر بزرگ ، برادرها و خواهرهای بی دفاع مرا کشت . پدر بزرگ تکسین آزمایشگاه بود ولی چون مسلمان بود هرگز کاری نیافت . عبدالله با انگشت به دوسوا اشاره کرد و گفت : به آن کلبه های پوشالی نزدیک باراندا زبنتگرید . مسلمانان در آنجا زندگی میکنند و آن ساختمان های محکم سیمانی را نگاه کنید ، در آنجا مسیحیان بسر میبرند . من حاضرم با آغوش باز مرگ را بپذیرم تا آنکه عدالت برای مسلمین رعایت شود بخدا سوگند اگر کلامی از این دروغ باشد . اگر ثابت شد که حرف نادرستی زده ام دست راست مرا میتواند ببرد . (اطلاعات ۱۹ اردیبهشت ۱۳۵۳ مقاله یا مرگه یا پیروزی)